

جایگاه رفیع همسایه از دیدگاه اسلام (۲)

در مبحث قبل دربارهٔ مقدم داشتن همسایگان در دعا توسط حضرت زهرا سلام الله علیها پرداختیم. سفارشات دربارهٔ همسایگان آنقدر زیاد است که او را در رتبهٔ همسان و یا لااقل در رتبه ای پس از خویشاوندان قرار می‌دهد. به سفارشات مکرر جبرئیل به پیامبر ص و تأکیدات حضرت امیر ع در این باره اشاره کردیم. روایتی دیگر در این زمینه وجود دارد که برداشت ما از روایات را تأکید می‌کند؛ پیامبر اکرم ص می‌فرمایند: «إِنَّهُ لَا يَنْظُرُ اللَّهُ إِلَيْهِمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ؛ قَاطِعِ الرَّحِمِ وَ جَارِ السُّوءِ»^۱ دو گروه هستند که خداوند در روز قیامت به آنها نظر نمی‌کند؛ قطع کنندهٔ رحم و همسایهٔ بد. این روایت به خوبی بیانگر این است که همسایه در جایگاه خویشاوند است و یا اگر بخواهیم کمی تنزل دهیم در رتبهٔ مابعد خویشاوندان قرار دارد. پس سفارشات دربارهٔ آن، نزدیک به سفارشات دربارهٔ خویشاوندان است.

امام صادق ع دوبار بر کسی که همسایهٔ خود را اذیت کند لعن می‌کنند؛ «مَلْعُونٌ مَلْعُونٌ مِّنْ آذَى جَارِهِ»^۲ از طرفی دیگر، یکی از شروط مؤمن بودن، حسن همجواری با همسایه است؛ پیامبر اکرم ص می‌فرمایند: «أَحْسِنُ مُجَاوِرَةَ مَنْ جَاوَرَكَ تَكُنْ مُؤْمِنًا»^۳ با کسی که همسایهٔ توست، خوب مجاورت کم تا مؤمن باشی. در روایت دیگری، یکی از نتایج ایمان به خدا و روز قیامت را عدم آزار همسایه ذکر می‌کنند: «مَنْ كَانَ يُؤْمِنُ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ فَلَا يُؤْذِي جَارَهُ»^۴ پس نیکی با همسایه، هم نتیجهٔ ایمان است و هم موجب ازدیاد ایمان است.

مجاورت با همسایه، حقوق و تکالیفی برای انسان به وجود می‌آورد. امام سجاده ع در این باره می‌فرمایند: «وَأَمَّا حَقُّ جَارِكَ فَحِفْظُهُ غَائِبًا وَ إِكْرَامُهُ شَاهِدًا وَ نُصْرَتُهُ إِذَا كَانَ مَظْلُومًا»^۵ اما حق همسایه بر تو این است که وقتی غائب است او را حفظ کنی و وقتی حاضر است او را تکریم کنی و احترام بگذاری و اگر مظلوم واقع شد او را یاری کنی.

^۱ کنز العمال، ج ۳، ص ۳۶۷

^۲ مستدرک الوسائل، ج ۸، ص ۴۲۲

^۳ بحار الانوار، ج ۶۹، ص ۳۶۸

^۴ الکافی، ج ۴، ص ۴۹۱

^۵ من لا یحضره الفقیه، ج ۲، ص ۳۹۶

منظور از حفظ همسایه در غیاب او ممکن است حفظ اموال او باشد یا اگر کسی در غیاب او خواست به حریم او تعرضی کند، از آن محافظت کند. معنای دیگر ممکن است این باشد که اگر در غیاب او مورد غیبت قرار گرفت از او دفاع کند.

پیامبر اکرم ص هم درباره حقوق همسایه می‌فرماید: «أَتَدْرُونَ مَا حَقُّ الْجَارِ؟ قَالُوا: لَا. قَالَ: إِنْ اسْتَعَاثَكَ أَعْنَتُهُ وَإِنْ اسْتَقْرَضَكَ أَقْرَضَهُ ... وَإِنْ مَرَضَ عُدَّتَهُ وَإِنْ أَصَابَتْهُ مُصِيبَةٌ عَزَيْتَهُ.»^۶ حق همسایه بر تو این است که اگر از تو کمک خواست، کمک کنی و اگر قرض خواست، قرض دهی و ... و اگر مریض شد، به عیادتش روی و اگر مصیبتی دید، تسلیتش بگویی.

حال پس از بیان اهمیت همسایه و لزوم رعایت حقوق او باید به حدود و ثغور همسایه بودن از دیدگاه اسلام بپردازیم. تا کجا را باید همسایه بدانیم تا حقوق وی را رعایت کنیم؟ پیامبر اکرم ص در جواب این سؤال می‌فرماید: «كُلُّ أَرْبَعِينَ دَارًا جِيرَانٌ مِنْ بَيْنِ يَدَيْهِ وَمِنْ خَلْفِهِ وَعَنْ يَمِينِهِ وَعَنْ شِمَالِهِ»^۷ هر چهل خانه از طرف روبرو و پشت سر و راست و چپ همسایه است. از هر چهار طرف منزل، تا چهل خانه، یعنی ۱۶۰ خانه همسایه محسوب می‌شوند. اگر چنین فرمولی اجرا شود و هر کس حرمت ۱۶۰ خانه اطراف خود را داشته باشد و حقوق آنها را رعایت کند و غمخوار آنها باشد چه جامعه آرمانی و نیکویی درست خواهد شد. امروزه اینگونه دستورات اسلام در دنیای مدرنیته، اکسیری اعظم محسوب می‌شود؛ در دنیایی که در کشورهای به اصطلاح مدرن، همه مردم به فکر خویشند و افراد از نزدیک‌ترین خویشان خود هم دورند، چه برسد به همسایه. گاهی در اخبار می‌خوانیم در کشوری به اصطلاح پیشرفته، فردی از دنیا رفته و چندین روز در منزل خود افتاده و فقط زمانی پیگیر او شده اند که بوی تعفن جنازه او فضا را گرفته و همسایگان را آزار داده و همسایگان فقط به خاطر این که اذیت شده اند پیگیری کرده اند تا نهادهای مربوط بیایند و جنازه او را جمع کنند؛ اما اسلام تا ۱۶۰ خانواده را همسایه می‌داند و حقوق او را همسان یا مابعد حقوق خویشاوندان می‌داند. آیا نباید به دین خود بباییم؟

البته باید به یک نکته کرد و آن این که مراقب باشیم با تجسس در احوال همسایگان نپردازیم. قرآن کریم بر حرمت تجسس تأکید فراوانی دارد؛ «و لا تجسسوا» باید مراقب باشیم به بهانه تفقد و احوالپرسی از همسایه، به کاوش و تجسس در زندگی او نپردازیم. همچنین مراقب باشیم اگر به رازی از او پی بردیم حق او را رعایت کنیم و از افشای راز او و بردن آبروی او به شدت پرهیزیم.

^۶ مسکن الفؤاد، ج ۱، ص ۱۱۴
^۷ کافی، ج ۴، ص ۴۹۳

جمع نمودن میان این امور کمی دشوار است و انسان باید مراقب آن باشد. از طرفی انسان نباید از احوال همسایه خود بی‌خبر باشد؛ از طرفی دیگر باید مراقب باشد تجسس در امور او ننماید. جمع میان این دو بسیار دشوار است. برخی از انسانها متأسفانه به بهانه خبردار شدن از احوال همسایه، تجسس در احوال او می‌کنند و بدتر آن که وقتی از حال او خبردار می‌شوند، اسرار او را فاش می‌کنند.